در گفت‌وگو با امیراعتصام ادیب، عضو باغدار هیئت امنای انجمن پسته ایران مطرح شد

اندازه‌گیری درست، لازمهٔ افزایش بهره‌وری

مصاحبه‌کننده:
اعظم مرتضی‌پور

صحبت از اندازه‌گیری بهره‌وری در کشاورزی ایران معمولاً با اما و اگرها و ابهاماتی روبه‌روست؛ شاید انجام محاسبات سخت است یا واژه بهره‌وری برای ما نامأنوس است! اما امیراعتصام ادیب عضو باغدار هیئت امنای انجمن از استان خراسان رضوی بر این باور است که اگر ما برای هر کدام از بخش‌ها اعم از آب، کود، نیروی انسانی و غیره، داده و عدد داشته‌باشیم و محاسبه کنیم می‌توانیم در هر باغ میزان بهره‌وری را با دقت قابل قبولی به‌دست آوریم. برای آشنایی با طرز فکر این باغدار موفق و بررسی راهکارهای افزایش بهره‌وری در باغات پسته ایران سراغ وی رفتیم. در ادامه، شما را به مطالعه این گفت‌وگوی خواندنی دعوت می‌کنم.

چالش‌های بهره‌وری

آیا ما با توجه به کمبود منابع مختلف اقتصادی، فعالیت‌هایی دارای بهره‌وری مناسب داریم؟ پاسخ به این پرسش، مثبت نیست و با بررسی مولفه‌های اصلی سنجش بهره‌وری از قبیل کارآیی و راندمان، هدفمند بودن و پیگیرانه بودن فعالیت‌های اقتصادی در کشور، باید گفت آنقدر که خداوند برای ملت ایران امکانات تولیدی پدید آورده، ما خودمان همت بهره‌برداری مثمرثمر و کارآ و معطوف به اهداف سنجیده از امکانات اقتصادمان نداریم. این مهم در تمام شئونات تولید و اقتصاد صدق می‌کند و پسته هم مصداقی از بیان کلی است.
در دو گفت‌وگوی مطول پیش‌رو چالش‌های بهره‌وری پسته را به بحث گذاشته‌ایم.

آقای ادیب! بفرمائید تعریف شما از بهره‌وری چیست و افزایش آن در حوزه باغداری پسته را چگونه می‌توان عملیاتی کرد؟

به‌طورکلی بهره‌وری یک نگرش است و بیانگر حداکثر سودی است که با استفاده از نهاده‌ها و منابع موجود کسب کرده‌ایم؛ به قولی ستانده ما نسبت به آنچه که مصرف، هزینه و سرمایه شده‌است. این نگرش ما را در جهت هر روز بهتر شدن قرار می‌دهد. ولی وقتی که در بخش کشاورزی و به‌صورت جز در پسته بخواهیم صحبت کنیم، باید بتوانیم توضیح دهیم که ما در قبال منابع در دسترس اعم از: زمین، آب، نیروی انسانی، نهاده‌ها و حتی به لحاظ مدیریتی که در باغ اعمال می‌کنیم، چه محصولی، با چه کمیت و کیفیتی به‌دست آورده‌ایم.

باتوجه به تعریفی که ارائه نمودید آیا عملاً بهره‌وری قابل اندازه‌گیری است؟

برای محاسبه میزان بهره‌وری، باید نسبت میزان نهاده‌های مصرفی در هر بخش مثل: نیروی انسانی، نهاده‌های شیمیایی، آبیاری و بقیه را با میزان محصول تولیدی بسنجیم تا بهره‌وری در هر بخش حاصل شود و با مقایسه فرآیندهای مختلف رساندن نهاده به ستانده، بهترین فرآیند را انتخاب کنیم. بدین شکل بهره‌وری برایمان قابل سنجش خواهدشد. به‌عنوان مثال، در مورد مقایسه نحوه آبیاری بین یک سیستم آبیاری تحت فشار و یک سیستم آبیاری غرقابی، هر دو دارند آب مصرف می‌کنند، ولی حجم آبی که در سیستم غرقابی مصرف می‌شود با حجم آبی که در سیستم قطره‌ای مصرف می‌شود متفاوت است و احتمالاً بهره‌وری این دو روش آبیاری نیز کاملاً متفاوت خواهدبود. اگر ما برای هر کدام از بخش‌ها اعم از آب، کود، نیروی



انسانی و غیره داده و عدد داشته‌باشیم و محاسبه کنیم می‌توانیم در هر باغ میزان بهره‌وری را تا حد زیادی به‌دست آوریم. سپس، باتوجه به اطلاعات و آمار به‌دست آمده می‌توان نتیجه‌گیری کرد که آیا سیستم مدیریتی قابل ارتقا هست یا خیر. اگر بتوان سیستم را ارتقاء داد، ممکن است بهره‌وری را در یک نمودار افزایشی و رو به بالا حرکت دهیم. در غیراین‌صورت ممکن است در گذر زمان باتوجه به عوامل پیش‌بینی نشده‌ای که به‌وجود می‌آید حتی اگر بهره‌وری خوبی داشته باشیم ولی به فکر بهبودش نباشیم،کم‌کم به مشکل بربخوریم.
نمونه‌اش اینکه همه ما در گذشته آبیاری غرقابی داشتیم و بعد آب‌ها کم شدند، اگر ما فقط با طرز فکر آبیاری غرقابی و مصرف آب در گذشته بخواهیم پیش برویم، مسلماً بهره‌وری باغدار به‌شدت کاهش پیدا می‌کند. درواقع ستانده نسبت به آنچه هزینه شده کاهش پیدا می‌کند و وارد مرحله نزول بهره‌وری و ورود به مرحله ضرر می‌شویم.

آیا به‌طور معمول باغداران پارامترهایی مثل مصرف آب و نهاده را محاسبه می‌کنند؟

به احتمال خیلی زیاد عمده مالک‌ها این داده‌ها و آمار را دارند. در بخش خرده مالکی بعضی از کشاورزها هستند که واقعاً دقیق هستند و تمام این داده‌ها را استخراج و با هم مقایسه می‌کنند. ولی متأسفانه عده‌ای هم هستند که این پارامترها برایشان مهم نیست و همان شکل سنتی و ثابت را ادامه می‌دهند. این کشاورزان فکر می‌کنند که تا ابد روش مدیریتی که در پیش گرفته‌اند درست است. در حالی‌که اتخاذ یک روش کاری ممکن است تا بازه زمانی مشخصی روش درستی باشد، ولی تغییر شرایط دیگر اجازه ندهد که طبق روش گذشته حرکت کنیم. ادامه دادن راه و رسم قبلی خواه ناخواه باعث کاهش بهره‌وری می‌شود.

> **برای محاسبه میزان بهره‌وری، باید نسبت میزان نهاده‌های مصرفی در هر بخش مثل: نیروی انسانی، نهاده‌های شیمیایی، آبیاری و بقیه را با میزان محصول تولیدی بسنجیم تا بهره‌وری در هر بخش حاصل شود و با مقایسه فرآیندهای مختلف رساندن نهاده به ستانده، بهترین فرآیند را انتخاب کنیم**

آیا شما مرتباً میزان بهره‌وری در باغ خود را محاسبه می‌کنید؟

ما تا حدودی آمار و اطلاعات را ثبت و با هم مقایسه می‌کنیم و تغییرات را می‌بینیم. به‌عنوان مثال، من یک نمونه را خدمتتان عرض می‌کنم؛ امسال ما در باغ به‌علت سنگینی خاک که بافت لومی سیلتی داشت، زیرشکن عمیق زدیم؛ با مقایسه‌ای که بین حجم آبشویی امسال با سال گذشته داشتیم مشاهده کردیم که حجم آبشویی بهتری را توانستیم در باغات‌مان داشته‌باشیم. سپس، آنالیز خاک انجام دادیم و داده‌های آنالیز خاک قبل و بعد از آبشویی را با هم مقایسه کردیم. این به من می گوید که با انجام عملیات زیرشکن در بخش آبشویی خاک و کنترل نمک، علی‌رغم آبیاری با آب شور، میزان بهره‌وری بالا رفته‌است.

در خلال صحبت‌ها به خرده مالکی و عمده مالکی اشاره کردید؛ چرا عمده مالکان مجبورند بسنجند و اندازه‌گیری کنند، ولی خرده مالکین نیازی نمی بینند ؟

هدف ما در بهره‌وری، سنجش دریافتی‌ها از آنچه که مصرف‌شده می‌باشد. در بخش خرده مالکی، مخصوصاً در مورد نیروی انسانی یا حتی تأمین نهاده‌ها تغییرات هزینه‌ای در باغ به آن اندازه خودش را نشان نمی‌دهد که در یک باغ عمده مالکی خودش را نشان می‌دهد.
در بخش خرده مالکی و در یک مساحت کم، تغییرات میزان آب مصرفی، تغییرات میزان حقوق نیروی انسانی که دارد در این باغات فعالیت می‌کند با عمده مالکی که مساحتش بالا است کاملاً متفاوت می‌شود؛ به‌عنوان مثال، تغییر ده درصدی حقوق نیروی انسانی در عمده مالکی به‌شدت خود را نشان می‌دهد. به‌دلیل مساحت بالای باغ،

عملیات باغی زمان‌بر تر از خرده مالکی است. مثلاً، هرس یک باغ صد یا دویست هکتاری طی مدت یک هفته انجام نمی‌شود، بلکه یک بازه چند ماهه و تعداد چهل، پنجاه نفر نیروی کار نیاز دارد.
در بخش عمده مالکی باید با مدیریت صحیح کلیه موارد را به‌شدت کنترل کنیم، چون ممکن است کوچک‌ترین تغییرات ناصحیح در استفاده از منابع، هزینه انجام‌شده در باغات را به‌قدری بالا ببرد که حتی باغات را به‌سمت غیراقتصادی شدن پیش ببرد.

در خرده مالکی وضعیت چطور ا ست ؟

خرده مالکی که مثلاً یک یا دو هکتار باغ دارد و حتی بخشی از امور باغ را خود صاحب باغ انجام می‌دهد می‌تواند بهره‌وری بالاتری داشته باشد، ولی گاهی از انجام دادن بعضی از کارها خواه ناخواه دور می‌ماند و نمی‌تواند انجام دهد. به‌همین دلیل ممکن است بهره‌وری در بخش خرده مالکی بعضی مواقع دچار اُفت شود و نتواند مدیریت صحیح صورت گیرد.
برای مثال، حتی در قوانین دولت نیز آمده که اراضی از یک مساحت مشخص کمتر نمی‌توانند آبیاری تحت فشار اجرا نمایند. از یک مساحتی کمتر نمی‌توان از مکانیزاسیون بهتر در جهت انجام عملیات باغی استفاده کرد. یک خرده مالک معمولاً خودش تانکر سم‌پاش ندارد، در نتیجه ممکن است که سم‌پاشی برای کنترل آفت به تعویق بیافتد. تمام این موارد بر روی بهره‌وری باغ تأثیر می‌گذارد. نهاده مصرف شده، ولی آن نتیجه مطلوب حاصل نشده‌است.
در باغاتی که عمده مالک هستند با توجه به حجم سرمایه‌گذاری انجام شده باید سیستم مدیریتی دقیقی اعمال شود و عملیات باغی در زمان‌های درست انجام گیرد. اگر کنترل آفت دیر انجام شود یا کوددهی دیر صورت گیرد عواقبش نسبت به خرده‌مالکی خیلی سنگین‌تر خواهد بود.

> **آنچه که الان به ذهنم می‌رسد که چرا ما بهره‌وری کمتری در بحث تولید و انرژی نسبت به نقاط دیگر جهان داریم این است که نفت زیادی بلای جان ما شده‌است. به‌عبارتی، فراوانی یک منبع و نعمت خدادادی باعث شده که ما ایرانیان به‌صورت عمومی نخواهیم زندگی را برای خود سخت کنیم!**



کیفیت و کمیت آب و مسئله اقلیم را در بهره‌وری چقدر حائز اهمیت می‌دانید؟

در برخی موارد درمورد کمیت و کیفیت آب مصرفی دست کشاورز کوتاه است. اما مواردی هم هست که باغدار می‌تواند با مدیریت صحیح، بهره‌وری مناسبی داشته‌باشد. مثلاً، رقم کله‌قوچی نسبت به کیفیت آب بسیار حساس است و با اُفت کیفیت آب خواه ناخواه این انتظار می‌رود که برداشت محصول کاهش پیداکند؛ اینجاست که باید آن مجموعه تصمیم به اصلاح بگیرد و مسئله را حل کند؛ یا باید وارد باغ‌ریزی با ارقام سازگار با آب موجود شود، یا باید تغییر پیوند انجام دهد و یا درصورت امکان از سازمان مربوطه مجوز بگیرد تا بتواند کیفیت آبش را به روش تصفیه اصلاح کند. البته در ایران در این مورد مشکل داریم و اجازه خاصی داده نمی‌شود و گاهی ممکن است سازمان محیط زیست هر استان با این موضوع به‌صورت سلیقه‌ای برخورد کند!

شما چه تجربه‌ای در این مورد دارید؟

من رقم کله‌قوچی را با ۱۰ هزار مترمکعب آب با شوری۵ هزار میکروموس بر سانتی‌متر انجام می‌دادم و بازده خیلی خوبی داشتم، اما درحال حاضر شوری آب چاه ۱۰ هزار میکروموس بر سانتی‌متر شده‌است. این اتفاقی نیست که من بتوانم جلوی آن را بگیرم و سفره آب زیرزمینی مشترک است و بارندگی‌ها و اقلیم هم دست ما نیست. باغدار تنها می‌تواند با بهره‌گیری از علم و به روش‌هایی همانند: اضافه کردن گچ، آبشویی مناسب و استفاده از اصلاح‌کننده‌ها، کاهش کیفیت آب را تا حدودی جبران کند. شاید حالت مطلوب اتفاق نیفتد، اما همچنان یک کشاورزی پایدار را رقم می‌زند.



بهره‌وری آب در بحث کمیت هم بسیار اهمیت دارد، خصوصاً مناطق پسته‌کاری که مناطق خشک و کم آبی هستند. اینکه ما چه مقدار آب مصرف کردیم و در قبالش چه مقدار محصول به‌دست آوردیم، بسیار حائز اهمیت است. در گذشته مدار آب معمولاً برای درختان پسته ۳۰ روز بوده‌است و بعد به مرور این ۳۰ روز به ۴۵ و ۶۰ روز رسیده و درحال حاضر مدار آبیاری در برخی مناطق ۹۰ روز شده‌است.

کاهش کمیت آب بر بهره‌وری تأثیر می‌گذارد؛ وقتی که من نتوانم سیستم آبیاری تحت فشار اجرا کنم، سرمایه اولیه‌اش را نداشته باشم و یا طبق قوانین به من تسهیلاتی در این خصوص داده نشود، خواه ناخواه من دیگر نمی‌توانم بهره‌وری آب را به‌راحتی افزایش دهم. در این‌صورت، یا باید به همان شکل گذشته ادامه دهم که انتهای این مسیر انتهای خوبی نیست و اُفت بهره‌وری آنقدر شدت پیدا می‌کند که فعالیت من را غیراقتصادی می‌کند؛ یا اینکه باید هرطور که شده بهره‌وری آب در سیستم غرقابی را از طریق تسطیح باغ به بهترین شکل و توزیع یکنواخت آب حداقل به هفتاد، هشتاد درصد افزایش دهم.

اگر نتوانیم مدیریت درستی انجام دهیم، حجم تولید و بهره‌وری در باغ کاهش پیدا کرده و ادامه روند اصلاً مقرون به‌صرفه نخواهد بود.

نقش تنش‌های اقلیمی در ایجاد وضع کنونی چقدر است؟

در رابطه با تنش‌های اقلیمی باید عرض کنم که سیطره گسترده‌ای دارند و ما هر ساله با موارد متعددی اعم از سرمازدگی، گرمازدگی، تگرگ و غیره روبه‌رو هستیم. کشاورز باید این دانش را کسب کند تا بتواند در زمان‌هایی که تنش‌های اقلیمی وارد می‌شود تا جایی‌که قابل کنترل است، عملیات کنترل‌کننده را در باغ انجام دهد تا با خسارت کمتری مواجه شود؛ به‌عنوان مثال، استفاده از دستگاه ضدتگرگ برای مقابله با تگرگ مفید بوده و تغذیه مناسب برگی و خاکی برای کاهش تنش‌های محیطی موثر است.

به‌طور کلی نمی‌توان مانع ایجاد تغییرات اقلیمی شد، ولی آنچه که در دسترس ماست دانشی است که در قبال این تغییرات می‌توان اعمال کرد و تا حدودی جلوی کاهش بهره‌وری نسبت به سال‌های گذشته را می‌گیرد.

اگر نسبت تولید ناخالص داخلی ایران به میزان انرژی مصرفی را به‌طور سالانه محاسبه کنیم می‌بینیم ما ایرانیان به‌ازای مصرف انرژی معادل یک بشکه نفت خام حدوداً ۷۰ دلار تولید می‌کنیم، ولی در مقام مقایسه ژاپن و کره جنوبی حدود ۲ هزار دلار تولید می‌کنند! به‌نظر نمی‌رسد در این موضوع تنها مسئله اقلیم، کارشناس و کود بد و خرده مالکی دخیل باشد. به‌نظرشما چرا عدد بهره‌وری در ایران نسبت به دنیا اینقدر پایین است؟

آنچه که الان به ذهنم می‌رسد که چرا ما بهره‌وری کمتری در بحث تولید و انرژی نسبت به نقاط دیگر جهان داریم این است که نفت زیادی بلای جان ما شده‌است. به‌عبارتی، فراوانی یک منبع و نعمت خدادادی باعث شده که ما ایرانیان به‌صورت عمومی نخواهیم زندگی را برای خود سخت کنیم! منظورم این است که مثلاً زمانی من دسترسی به یک حجم نامحدود آب داشته باشم، هیچ‌وقت لزومی ندارد به این موضوع فکر کنم که جوی خاکی را سیمانی کنم و یا لوله‌کشی کنم؛ چون آن‌قدر حجم آب من زیاد است که هدررفت آب اصلاً برای من اهمیتی ندارد و باعث می‌شود من فکری در جهت ارتقاء بهره‌وری نکنم و لزومی هم برایش نمی‌بینم.

> سرمایه کشاورز یک سرمایه ملی است و محصول تولیدی در سطح ملی برای کشور حائز اهمیت است و با هرگونه کاهش محصول، بازار پسته و اسم پسته ایران به خطر می‌افتد که این اتفاق خیلی بدی است

فکر می‌کنم مسئله‌ای که در بخش انرژی و صنعت اتفاق افتاده همین است که ما حجم زیادی از منابع در ایران داریم، این حجم زیاد منابع چون برایمان بسیار سهل‌الوصول است، چندان به فکر مدیریت و افزایش بهره‌وری آن نیستیم.
در دو حالت افزایش تولید امکان‌پذیر است؛ یا نهاده اولیه را زیاد مصرف کنیم تا تولید را بالا ببریم، یا نهاده اولیه را بهتر مدیریت کنیم تا بتوانیم تولید بیشتری داشته‌باشیم. ما در این زمینه عملاً چون انرژی یا نفت زیادی داشتیم، به فکر افزایش بهره‌وری از آن نبودیم.
کشورهای پیشرفته به اندازه ما نفت و بنزین و منابع ندارند، لذا باید انرژی را خریداری کنند. به همین دلیل خود را در مسیری قرار می‌دهند تا به سمتی بروند که از انرژی‌هایی استفاده کنند که وابستگی کمتری داشته‌باشند.
از طرف دیگر، تحریم‌ها و فشارهای بین‌المللی یک جانبه دست صنایع برای رسیدن به تکنولوژی‌ها و متد جدید را کوتاه کرده‌است و زمانی‌که نتوانیم از تکنولوژی استفاده کنیم، مجبوریم با صنایع قدیمی انرژی بیشتری مصرف کنیم و تولید هم همان مقداری باشد که پیش‌تر بوده‌است.
در مورد پایین بودن بهره‌وری در ایران خواه ناخواه تحریم‌ها موثر بوده، عدم ورود تکنولوژی به کشور موثر بوده و موجب شده که در صنعت نتوانیم در قبال آنچه مصرف می‌کنیم تولید داشته‌باشیم.

> جهت افزایش بهره‌وری در کشاورزی، بحث اول ما بحث آب باشد، لذا باید سیاستی اتخاذ گردد که باغداران بتوانند در مورد آب بهترین شرایط و کمترین حجم مصرف آب را با بالاترین بازده استفاده کنند

اگر امروز به شما بگویند که در حوزه کشاورزی پسته در منطقه خودتان مسئول بهره‌وری هستید، اولین مسئله‌ای که به آن ورود می‌کنید، چیست؟

آقای پیتر دراکر که بنیان‌گذار مدیریت مدرن بودند و بهره‌وری را درست انجام دادنِ کار درست تعریف می‌کنند؛ یعنی هم باید کار درست را انجام دهیم و هم اینکه آن را به روش درستی انجام دهیم.
در پاسخ به سوال شما من فکر می‌کنم جهت افزایش بهره‌وری در کشاورزی، بحث اول ما بحث آب باشد، لذا باید سیاستی اتخاذ گردد که باغداران بتوانند در مورد آب بهترین شرایط و کمترین حجم مصرف آب را با بالاترین بازده استفاده کنند. حتی اگر احتیاج است در باغاتشان اصلاحاتی اتفاق بیافتد؛ چه در حالت غرقابی و چه در حالتی که بتواند به سیستم تحت فشار تبدیل شود، چون عملاً در هر باغی نمی‌توانیم سیستم تحت فشار اجرا کنیم.
بحث دوم، استفاده از نهاده‌های شیمیایی است؛ به‌نحوی که نهاده شیمیایی درست را در زمان مناسب و به شکل مناسب استفاده کنند؛ چون در بخش نهاده‌ها این موضوع مطرح است که بعضی از باغدارها گاهاً کودهای نادرست را در زمان مناسب می‌دهند و گاهی وقت‌ها کودهای نادرست را در زمان





نادرست می‌دهند، گاهی وقت‌ها نهاده شیمیایی مناسب را در زمان نامناسب استفاده می‌کنند. اینها تماماً مواردی هستند که باغدار را به هزینه کردن می‌اندازد، چون کشاورز نهاده نامناسب را تهیه‌کرده‌است. متأسفانه، گاهاً برخی فروشندگان طبق آنچه که موجودی انبارشان هست به کشاورز نهاده می‌فروشند. گاهی نهاده به‌درستی انتخاب شده و زمان استفاده هم مناسب هست، ولی روش استفاده نادرست می‌باشد؛ مثل اینکه در خیلی از باغات دیدیم کودهای آلی و دامی را روی سطح خاک ریخته و روتیواتور می‌کنند. در تمامی این موارد هزینه انجام شده، ولی نتیجه مطلوب حاصل نمی‌شود و در نهایت بهره‌وری کاهش می‌یابد.

به‌نظرمن، عامل مهم بعدی نیروی انسانی است؛ به‌نحوی که نه تنها نیروی انسانی در انجام عملیات باغی مانند هرس و پیوند باید به‌درستی مدیریت شود، بلکه باید توسط افراد متخصص انجام گیرد تا سرمایه کشاورز از بین نرود.

سرمایه کشاورز یک سرمایه ملی است و محصول تولیدی در سطح ملی برای کشور حائز اهمیت است و با هرگونه کاهش محصول، بازار پسته و اسم پسته ایران به خطر می‌افتد که این اتفاق خیلی بدی است.

به‌نظر شما رسالت انجمن در این زمینه چیست؟ آیا تاکنون انجمن در این زمینه در مسیر درست قدم برداشته است یا خیر؟

من همیشه آنچه انجمن پسته در حال انجام دادن است را خوب و مثبت دیدم. انجمن و اعضای انجمن دلسوزانه برای صنعت پسته برنامه‌ریزی می‌کنند و انجمن پسته یک منفعت کلی و ملی را در تمام بخش‌های مرتبط با صنعت پسته اعم از باغداری، خدمات و بازرگانی می‌بینند.

> **در مورد پایین بودن بهره‌وری در ایران خواه ناخواه تحریم‌ها موثر بوده، عدم ورود تکنولوژی به کشور موثر بوده و موجب شده که در صنعت نتوانیم در قبال آنچه مصرف می‌کنیم تولید داشته باشیم**

انجمن پسته در زمینه افزایش آگاهی کشاورزان در مورد مباحث مدیریتی و اقتصادی باغ پسته بسیار خوب عمل کرده و می‌کند. همچنین، در بحث آگاه کردن باغداران نسبت به مسائل قانونی و حقوقی بسیار دلسوزانه وارد شده‌است.

این آگاهی بخشی‌ها در افزایش بهره‌وری بسیار ارزشمند است؛ به‌عنوان مثال، زمانی که انجمن پسته گزارش هزینه تولید پسته را منتشر می‌کند، من باغدار هم به این فکر می‌افتم که هزینه تولید پسته‌ام را با روش اصولی انجمن محاسبه کنم و ببینم آیا فعالیت من سود ده است یا خیر و یا در کدام بخش دارم بیش از حد هزینه می‌کنم، در کجا دارم نهاده را زیاد مصرف می‌کنم، ولی ستانده مناسبی ندارم.

انجمن پسته در تمامی این بخش‌ها آگاهی‌دهنده هست و این قدم اول در بحث مدیریت و بهره‌وری است. آنچه را که انجمن پسته انجام داده خیلی خوب است. آنچه را که برنامه‌ریزی می‌کنند و من در جلسات متعدد دیدم مسلماً خیلی اثربخش است.